یادداشت

## نظام‌سازی حقوقی‌اخلاقی امام‌رضا(ع)

غلامرضا نبی اسدی
روزنامه نگار

جامعه به ساختارهای حقوقی می‌تواند از «حق» حراست کند؛ البته حقوقی که مستظهر به وحی و کلام معصوم(ع) باشد. بیان صریح معصوم هم تبیین‌کننده آن باشد. با این نگاه می‌توان گفت حقوق در نظام تربیتی رضوی فقط جنبه حق‌های مصطلح که در رژیم‌های حقوقی در ماده و تبصره بدان می‌پردازند، ندارد. حتی فقط ناظر به جنبه‌های فقهی هم نیست. حق‌هایی که امام رضا(ع) سیاهه می‌فرمایند، فهرستی است که برای روشنی زندگی، تنظیم شده است. تنها فیزیکال هم نیست که بشود در هیئت «ابزار» تصویرسازی کرد. «ابراز»ی هم هست و قبل از گفتار هم البته در بستر پندار رشد یافته است؛ چنان‌که در کلام تبیینی حضرت رضا(ع) می‌خوانیم: «از جمله حقوق مؤمن بر مؤمن، این است که در دل، او را دوست بدارد، با مالش به او کمک برساند، او را دربرابر کسی که به وی ستم کند، یاری دهد، اگر مسلمانان غنیمت و خراجی داشتند و او غایب بود، سهم او را برایش بگیرد، هرگاه درگذشت، تا قبرش او را تشییع کند، به او ستم نکند، با او دغلی نکند، به او خیانت نکند، او را وانگذارد، از او غیبت نکند، دروغگویش نشمارد».

محبت قلبی، اولین قدم است در احقاق این حقوق. این را هم باید به «مودت» ارتقا دهد. توجه داریم که واژه مودت که از کلمه عربی «ود» گرفته شده است، نوعی احساس عاطفی شدید انسان است، آن هم تنها به اشخاص و نه اشیا. در یک ارتباط دوسویه هم شکل می‌گیرد. این هم برای بهتر کردن حال جامعه خیلی بیشتر از محبت، مؤثر است؛ چه محبت را به سکه‌ای مانند می‌کنند که می‌تواند یک رو داشته باشد. می‌تواند یک ابراز حال بی‌پاسخ باشد اما مودت به همان قاعده «کاسه جایی رود که قدح بازآید»، سلام را با علیکی پرمهرتر پاسخ می‌گوید. این هم داد و ستد دوست داشتن را تکثیر می‌کند. از فراوانی خُلقی چنین، خَلقی توشه برمی‌گیرند. همین هم بستر را برای حق دوم فراهم می‌کند؛ «مواسات». معلوم است تا مودت حاصل نشود، مواسات نمی‌تواند درختی پرریشه و شاخه شود که سایه و میوه خود را به دیگران ببخشد. «یاری در برابر ظلم» هم زمانی محقق می‌شود که مودت و مواسات، غیرت برادری را در بازوی افراد به فراوانی برساند تا فوران آن، ظالم را دست و سر و کمر بشکند. همین اهتمام است که در حضور و به‌ویژه غیاب، نگهداری حقش را چون واجبی مسلم در فکر و ذهن مؤمن رضوی حک می‌کند تا به حکم آن در نبودنش هم حافظ حقوق و منافع او باشد، به‌گونه‌ای که حتی مرگ هم نتواند میانشان فاصله اندازد؛ چه زیارت قبر اموات در شمار همان حقوقی است که امام رضا(ع) تحریر و تبیین می‌فرمایند.

به واقع انسان تربیت‌شده در مکتب رضوی، انسانی است که نسبت به دیگر آحاد جامعه در برابر «موضوعاتی» چون ظلم و غش و دغل‌کاری و خیانت و رهاکردگی و غیبت و تکذیب و... «موضع» نفی و «لا» دارد. با «لا» دربرابر این رفتارها، یقین عملی خود را به «لا»ی محوری که نفی هرچه غیر خداست، تجلی عملی می‌بخشد. انسانی که به «لا» در برابر اله‌ها رسیده باشد، رفتارش با هرآنچه با خواست حضرت «الله» ناساز باشد، ناسازگار می‌شود.

رفیق

## بی‌باک همچون عابس‌بن‌ابی‌شبیب

**محمدجواد ابوعطا|** «از جانب مردم به شما خبر نمی‌دهم و نمی‌دانم در دلشان چه می‌گذرد. شما را در مورد آنان فریب نمی‌دهم. به خدا سوگند اگر دعوتم کنید، اجابت می‌کنم و درکنارتان با دشمنان می‌جنگم تا به لقاءا... برسم».

خدا می‌داند این صحبت‌ها در دل مسلم‌بن‌عقیل(ع) که در کوفه اسیر مکر کوفیان شده بود، چه غوغایی به پا کرده بود. شاید خود «عابس‌بن‌ابی‌شبیب شاکری» نمی‌دانست که تاریخ، این صحبت‌ها را ضبط می‌کند و ۱۴۰۰ سال بعد این واگویه‌ها که از سر درد و نامردی دیگران ابراز شده بود، گواهی بر تاریخ مظلومیت سیدالشهدا(ع) خواهد شد. تاریخ، این یار امام حسین(ع) را دلیر، سخنور، عابد و شب‌زنده‌دار دانسته است؛ همان که وقتی جفای کوفیان را دید، خود را به همراه غلامش «شوذب» به سیدالشهدا(ع) رساند و با آن حضرت ماند تا آنکه تنش بر خاک کربلا افتاد و خودش را فدای امامش کرد. گویا به روز عاشورا، اول غلامش روانه میدان عشق شده و به شهادت رسیده است.

آورده‌اند که پس از شهادت غلامش، نزد امامش رفته و چنین گفته است: «یا اباعبدا...! در روی زمین و در دور و نزدیک، فردی عزیزتر و محبوب‌تر از شما نزد من نیست. اگر می‌توانستم با چیزی عزیزتر از جان و خونم، ستم و قتل را از شما دور کنم، انجام می‌دادم. السلام علیک یا اباعبدا...! در پیشگاه خدا گواهی می‌دهم که من در راه تو و در راه پدرت بوده‌ام».

کسی نمی‌داند این صحبت‌ها که رنگ‌وبوی وداع داشت، با دل امام حسین(ع) چه کرد؛ امامی که می‌دانست ساعاتی بعد با این لشکر جرار بدون این یاران باوفایش، تنها خواهد ماند. نوشته‌اند که عابس، قدم‌زنان به سوی دشمن رفت و چنان شجاعتی از خودش نشان داد که هیچ‌یک از لشکر دشمن حاضر به مبارزه تن‌به‌تن با او نشدند. در این میان، ابن‌سعد دستور داد او را سنگ‌باران کنند، اما این حربه نه‌تنها ذره‌ای از شجاعت عابس نکاست که او در میان قاب چشم حیرت‌زده دشمنان، زره و کلاه خود از سر به زیر انداخت و تنها با یک پیراهن به سمت دشمن دوید و سرانجام به آنچه عمری آرزو داشت، رسید و جانش را فدای امامش کرد.

بردار و بخوان

## ارتباط با معصومین(ع)

«ارتباط با معصومین(ع)» اثر علی‌باقر شیخانی در ۱۲۸ صفحه به‌تازگی به همت مؤسسه بوستان کتاب به چاپ پنجم رسیده است. پیوند قلبی و ارتباط نزدیک با اهل‌بیت(ع)، حس کمال‌طلبی و الگوپذیری انسان را اشباع و او را به مراتب کمال، نزدیک می‌کند. اثر حاضر، با هدف فوق، راه‌های ارتباط با معصومین(ع) و آثار این ارتباط، موانع و آسیب‌ها را در فصل‌های متعددی مفصل بررسی کرده است.

**ساختار اثر:** این کتاب در دو بخش تألیف شده است؛ بخش اول با عنوان «کلیات»، مشتمل بر دو فصل است. فصل اول با عنوان «عصمت چیست و معصوم کیست»، معنای لغوی و اصطلاحی عصمت و اینکه چه کسانی معصوم‌اند را شرح می‌دهد. فصل دوم با عنوان «ویژگی‌های معصومین(ع)»، پاکی و عصمت، عالم به همه علوم و معارف قرآن، کشتی نجات امت، هدایت در گرو تمسک به آن‌هاست و تحقق بخش آرمان بشریت را به نگارش درآورده است. دومین و آخرین بخش از کتاب با نام «راه‌های ارتباط با معصومین(ع)» مشتمل بر شش فصل اعم از «ارتباط عاطفی»، «ارتباط علمی»، «ارتباط سیاسی» و «ارتباط آرمانی»، «ارتباط استمدادی با معصومین(ع)» و «رابطه عهد و پیمان با اهل‌بیت(ع)» می‌شود.

**برشی از اثر:** بنا بر عقیده شیعیان، اهل‌بیت(ع) سیاست‌مداران برجسته امت اسلامی بودند، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس توان برابری با ایشان را نداشته است. از این‌رو، یکی از راه‌های ارتباط سیاسی با ائمه(ع)، رفتار کردن براساس همان مبانی‌ای است که خاندان عترت در زمینه حکومت، عدالت اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر و... به آن پای‌بند بودند. امام رضا(ع) درباره امام و نقش‌هایش می‌فرمایند: «امام همچون دوست، همدم، پدری مهربان، برادری هم‌دوش و یاور، بلکه همچون مادری دلسوز نسبت به فرزند خردسال خود است».

بررسی راه‌های موفقیت روابط همسری در نگاه قرآن، در گفت‌وگو با عضو هیئت علمی جامعة‌المصطفی العالمیه

# این خانه‌ها بهشت روی زمین‌اند

آمنه مستقیمی| **یکی از دلایل مهم اختلاف‌های خانوادگی و حتی ختم شدن زندگی‌های زناشویی به طلاق‌های رسمی و عاطفی، نداشتن علم و عمل نکردن به وظایف زنان و مردان است، درحالی‌که خدا به عنوان خالق انسان، کیفیت نقش‌های هریک از این‌ها را تعیین کرده است؛ نقش‌هایی که درباره آن‌ها با حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسین شهامت، عضو هیئت علمی جامعة‌المصطفی‌العالمیه، گفت‌وگو کرده‌ایم.**

### تفاوت‌های زن و مرد

یکی از موضوعات پربحث در قرآن کریم، آیه «اَلرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَی النِّسَاءِ» درباره مسئله زن و مرد و تفاوت آن‌ها و وظایفشان دربرابر یکدیگر است. در ترجمه آیه آمده است: مردان قوام هستند. قوام یعنی کسی که تدبیر امور در دست اوست و مدیریت کار را برعهده دارد. طبق آیه، مردان بر امور بانوان، مدیریت و زعامت دارند. در اینجا دو دلیل برای قوام بودن و قیم بودن و اشراف داشتن مرد بر امور زندگی و خانواده مطرح شده است؛ ابتدا آنکه طبیعت زن و مرد با هم متفاوت است.

**حجت‌الاسلام‌والمسلمین شهامت: اینکه مرد قوام است، بدین معنا نیست که مرد از زن کامل‌تر است. در امور معنوی، میدان برای زنان و مردان باز است. ممکن است مرد در امور زندگی قوام باشد**

### اقتضائات مردانه

مردان و زنان اقتضائات خاص خود را دارند؛ مثلا به‌طور معمول شجاعت در امور سخت در مردان، بیشتر از زنان وجود دارد یا ویژگی غیرت و حفظ ناموس و خانواده و فرزندان در مرد متبلورتر است. توانمندی‌های جسمانی، قدرت مقابله و ایستادگی در مقابل دشمنان، توانایی برای معاش و انجام کارهای سخت، همگی اقتضائات خاص هستند. هر خانواده‌ای که بخواهد سرپا بایستد، باید بر قدرت و نیرویی تکیه کند که شجاعت، غیرت و توانمندی او محرز باشد که این امر در مردان نمود بیشتری دارد.

### ظلم بزرگ به زنان

تفسیر این آیه بدین شکل است که زنان باید در یک حریم محفوظ باشند و یک پشتوانه قدرتمند، شجاع و غیور از آن‌ها مواظبت کند تا آسیب نبینند و کارهای سخت و تحمل‌ناپذیر به آنان سپرده نشود؛ چراکه مردان قوام هستند. جامعه‌ای که کارهای سخت را به بانوان خود بسپارد، هم به خانواده، هم به جامعه و هم به خود زنان، ظلم کرده است. اسلام بهترین دفاع را از شأن و جایگاه بانوان در آیه مطرح کرده است که مرد باید قوام باشد.

### زنانی که در اجر همسرشان شریک‌اند

در این آیه، وظایفی برای تربیت فرزندان مطرح می‌شود که بچه‌ها چه زمانی می‌توانند در خلوتگاه پدر و مادر وارد شوند و چه زمانی حق این کار را ندارند. قطعا آموزش این امور به فرزندان، کار مادران است. خوب شوهرداری کردن زنان به معنای تربیت درست فرزندان، رابطه مناسب با همسر در امور احساسی و عاطفی، تدبیر مدیریت داخلی زندگی و درنتیجه رضایت همسر از اوست. زنی که این امور را به درستی انجام دهد، در همه کارهایی که مردان می‌کنند، شریک است؛ یعنی اگر مرد او به جهاد برود، جانباز شود، به شهادت برسد یا به حج برود، با او شریک خواهد بود.

### مردان باید قوام باشند

لازمه قوام بودن، کارایی، شجاعت، متعهد بودن و مسئولیت‌پذیری است. خداوند در این آیه از قرآن نمی‌گوید مردان این‌گونه هستند، بلکه می‌گوید مردان باید این‌گونه باشند و مدیریت عقلانی زندگی باید به خانم‌ها سپرده شود؛ چراکه آن‌ها کانون احساس و عاطفه هستند و مسئولیت تربیت نسل به آنان سپرده شده است. زنان، محرم اسرار زندگی و محرم روابط انس و الفت در زندگی‌اند. از طرف دیگر وقتی زن و مرد از لحاظ توازن امور با هم سنجیده می‌شوند، طبیعتا درخواهیم یافت که مردان در این حوزه دست بازتری دارند.

### زنان حافظان‌الغیب‌اند

خداوند در ادامه این آیه می‌فرماید: زن‌های صالحه، آن‌هایی هستند که «قانتات» یعنی به‌شدت تسلیم و مطیع خدا هستند. در ادامه آیه از بانوان صالحه به‌عنوان حافظان‌الغیب یاد می‌شود. این بانوان صالح، مؤمن و مطیع خدا و همراه و همگام با همسر، حافظان‌الغیب هستند؛ یعنی آن امور پنهان زندگی خود را از چشم افراد جامعه حفظ می‌کنند؛ چون بانوان، حافظ اسرار و امور زندگی زناشویی هستند. این آیه درباره وظایف زن و مرد، تقسیم زیبایی کرده است.

### ریشه همه مشکلات خانوادگی

تمام مشکلات امروز ما به خاطر عمل نکردن به این آیه است. طلاق‌ها، ناسازگاری‌ها، کشمکش‌ها، دعواها و اختلافات به خاطر این است که مردان ما اصول مرد بودن در زندگی را رعایت نمی‌کنند و زن‌های ما اقتضائات زن بودن را در زندگی یا نمی‌دانند یا نمی‌خواهند رعایت کنند. ما باید روی این دو مسئله کار کنیم. در این آیه، مثنوی مثنوی مطلب و حکمت نهفته است که باید روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، دانشمندان و بانوان فرهیخته ما، زنان ما را در این زمینه آگاهی بخشند.

### زنان می‌توانند از مردان جلو بزنند

اینکه مرد قوام است، بدین معنا نیست که مرد از زن کامل‌تر است. در امور معنوی، میدان برای زنان و مردان باز است. ممکن است مرد در امور زندگی قوام باشد، ولی زن او در تحصیلات، معنویت و ایثارگری از شوهرش برتر باشد. خداوند می‌فرماید: «لَقَد خَلَقنَا الإنسَنَ فِی أَحسَنِ تَقوِیم»؛ یعنی ما انسان را در بهترین حالِ خلق کردیم و این یعنی زن اقتضائات زنانه‌اش بهترین اقتضائات و مرد اقتضائات مردانه‌اش، بهترین اقتضائات است. این‌ها زمانی که کنار هم قرار گیرند، مکمل هم می‌شوند، به شرطی که زنان ما زن و مردان ما مرد بمانند.

### مرد قوام، زن باعاطفه می‌خواهد

مرد قوام دارای عقل سلیم، شجاعت، غیرت، توانمندی و تعهد است و هر زنی دوست دارد چنین کوه ستبری را پشت سر خود داشته باشد؛ البته این نکته را نیز نباید فراموش کنیم که مرد با وجود دارا بودن تمام این ویژگی‌ها، بدون داشتن زنی که در احساسات و عواطف در اوج است، نمی‌تواند به کمال دست یابد، لذا همه مردان باصلاحیت اندیشمند بزرگ درکنارشان همسری باعاطفه، مهربان و پراحساس بوده است.

روشنا

قال الصادق(ع): اذا اردت الحسین فزره و انت حزین مکروب شعثا غبرا جائعا عطشانا. وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۴۱۴

امام صادق(ع) فرمودند: هرگاه خواستی امام حسین(ع) را زیارت کنی، او را با حالتی اندوهگین و گرفته، پریشان و غبارآلود، گرسنه و تشنه زیارت کن.

شنیدنی

## نخستین قتل تاریخ بشر

**سمانه رضوانی|** اگر آن زمان‌ها روزنامه بود، تیتر جذابی می‌شد.

این قتل یک کشتن ساده نبود؛ از شیوع یک ویروس شروع شد؛ ویروسی که قبل آن فقط یک نفر به آن دچار بود.

مثل فیلم‌های ژانر ترسناک که ویروسی منتشر می‌شود و همه زامبی یا آدم‌خوار می‌شوند.

آن بیماری، حسادت بود.

اولین نفر شیطان به آن مبتلا شد و حالا رفته بود سراغ فرزندان آدم تا آن‌ها را هم مبتلا کند.

وَاتْلُ عَلَیْهِمْ نَبَأَ ابْنَیْ آدَمَ بِالْحَقِّ...(مائده، ۲۷).

آدم می‌خواست صدقه دادن در راه خدا را به فرزندانش یاد بدهد.

می‌خواست فرزندانش خوبی‌ها را یاد بگیرند: إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا.... (مائده، ۲۷).

هرکه بهتر یاد گرفت و قربانی بهتری در راه خدا آورد، او لایق جانشینی است.

هر دو قربانی‌های خود را آوردند؛ یکی بهترین چیزی که داشت و یکی بدترین راه.

فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا.

هابیل و قابیل هر دو منتظر بودند که کدام پذیرفته می‌شود.

بهترین قربانی پذیرفته شد و علائم بیماری حسادت نمایان شد.

قابیل آتشی در دلش شعله‌ور شد که دیگر به برادری‌اش فکر نکرد.

وَلَمْ یُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّکَ.

اول تهدید کرد اما هابیل رمز این قبولی را فهمیده بود: «إِنَّمَا یَتَقَبَّلُ ا... مِنَ الْمُتَّقِینَ».

شیطان هم رمز را می‌دانست اما «لغزش از سقوط سنگریزه‌ای شروع شد».

برای همین از سنگریزه حسادت برای سقوط قابیل استفاده کرد.

هابیل از در محبت وارد شد:

لئن بسطت إلی یدک لتقتلنی ما أنا بباسط یدی إلیک لاقتلک:

«گفت اگر تو دست دراز کنی برای کشتن، من دستم را به سمت تو نمی‌آورم».

إنی أخاف ا... رب العالمین: «گفت من از خدا می‌ترسم».

هابیل سعی کرد ترس از خدا را هم به برادرش یادآوری کند اما...

فطوعت له نفسه قتل أخیه فقتله فأصبح من الخاسرین (مائده، ۳۰).

قابیل برادرش را کشت و سقوط کرد.

نخستین قتل تاریخ بشر با حسادت شروع شد.

قابیل هابیل را دفن می‌کند. میناتوری از قصص‌الانبیاء به زبان فارسی

احکام

### وظایف واجب و مستحبی درباره پیامبر اکرم(ص)

مقدس‌ترین و محبوب‌ترین چهره در اسلام، پیامبر اسلام(ص) است و دو نوع وظیفه دربرابر او در احکام آمده است:

۱. وظایف واجب همچون معرفت و شناخت او، محبت به او و پیروی از دستورات او. قرآن می‌فرماید: «ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا: آنچه رسول خدا برای شما آورده است، بگیرید(و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده است، خودداری کنید».

۲. وظایف مستحبی همچون سلام به پیامبر(ص)، زیارت پیامبر(ص)، صلوات به هنگام شنیدن هریک از نام‌ها و القاب پیامبر(ص)، نام‌گذاری فرزندان به نام او و... .

مسئله: مستحب است بر مأموم در نماز ظهر و عصر، تسبیح، تحمید(حمد و ستایش خدا) و صلوات بفرستد.